

## اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر تعارض والد- فرزند نوجوانان پسر کم‌توان ذهنی شهر

یزد

مهدی زارعی حسین‌آبادی<sup>۱\*</sup>، کاظم برزگر بفرولی<sup>۲</sup>، مرتضی امیدیان<sup>۳</sup>

(۱) کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

(۲) استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه یزد، یزد، ایران

(۳) دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه چمران، اهواز، ایران

\*نویسنده مسوول: m.zarei224@chmail.ir

تاریخ پذیرش مقاله ۹۶/۱۲/۹

تاریخ دریافت مقاله ۹۶/۱۰/۴

### چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر تعارض والد- فرزند نوجوانان پسر کم‌توان ذهنی شهر یزد انجام شده است. روش پژوهش از نوع آزمایشی و طرح این پژوهش از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل بوده و جامعه آماری دانش‌آموزان پسر کم‌توان ذهنی ۱۱ تا ۲۰ ساله را شامل می‌شود که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ در مدارس خاص کم‌توان ذهنی شهر یزد مشغول به تحصیل بوده‌اند. نمونه این پژوهش شامل ۴۰ دانش‌آموز است که به‌طور تصادفی انتخاب و در دو گروه آزمایش و گواه (۲۰ نفر برای هر گروه) جایگزین شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه رفتار تعارض رابین و فاستر بود که همه شرکت‌کنندگان، آن را در پیش‌آزمون و پس‌آزمون تکمیل کردند. برنامه آموزش مهارت‌های ارتباطی طی ۱۲ جلسه ۵۰ دقیقه‌ای بر روی گروه آزمایش اجرا شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده، علاوه بر آمار توصیفی از آمار استنباطی مانند آزمون t مستقل و تحلیل کواریانس استفاده شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بین دو گروه آزمایش و گواه از لحاظ تعارض والد- فرزند و ابعاد آن تفاوت معنی‌دار وجود دارد ( $p < 0.01$ ). نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که آموزش مهارت‌های ارتباطی باعث کاهش تعارض والد- فرزند (۴۱/۷۰٪ = اندازه اثر) و مؤلفه‌های آن، در دانش‌آموزان گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه شده است. از این رو پیشنهاد می‌شود در مدارس خاص دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، بر آموزش مهارت‌های ارتباطی تأکید شود.

کلید واژه‌گان: مهارت‌های ارتباطی، تعارض والد- فرزند، کم‌توان ذهنی.

### مقدمه

یکی از مسائلی که در این دوره حائز اهمیت است می‌توان به روابط بین والدین و فرزندان (زاده‌هفت‌تنان، ۱۳۸۶) اشاره کرد چرا که بیشترین تعارض‌هایی که در نظام خانواده بین والدین و فرزندان پدید می‌آید طی سال‌های اولیه نوجوانی شکل می‌گیرند (مک‌کینی و رنک، ۲۰۱۱).

نوجوانی<sup>۱</sup> دوره‌ای است که بین کودکی و بزرگسالی (جوانی، میانسالی و پیری) قرار دارد. این دوره غالباً از حدود سن ۱۱ تا ۲۰ سالگی را شامل می‌شود و یک دوره انتقالی است که با تغییرات عمده جسمانی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی همراه است (احدی و جمهری، ۱۳۹۴).

<sup>2</sup> McKinney & Renk

<sup>1</sup>. adolescence

نوجوانان باید به همان نسبتی که به طرز فزاینده و روزافزونی از والدین خود مستقل می‌شوند، راه خود را از میان موانع و گرفتاری‌های اجتماعی بالقوه بسیاری باز کنند و خود را در نقش بزرگسالانی که جامعه آن را انتظار دارد، جا بیندازند. بنابراین نوجوانان باید به مهارت‌های مورد نیاز مجهز باشند تا بتوانند از عهده این وظیفه خطیر برآیند (باتلر<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸، ترجمه زمانی، ۱۳۹۱). از جمله این مهارت-ها می‌توان به مهارت‌های ارتباطی<sup>۹</sup> مناسب و مؤثر اشاره کرد (کلینکه<sup>۶</sup>، بی‌تا، ترجمه محمدخانی، ۱۳۹۱).

بر اساس طبقه‌بندی سازمان جهانی بهداشت<sup>۷</sup> (WHO)، مهارت‌های ارتباطی و بین فردی، آن دسته از مهارت‌هایی را شامل می‌شود که با ارتباط کلامی و غیرکلامی، گوش دادن فعال، مهارت‌های مذاکره، مهارت شروع و خاتمه یک ارتباط مؤثر، مهارت ابراز وجود یا جرأت‌ورزی<sup>۸</sup>، توانایی حل تعارضات بین فردی و نظایر این‌ها مرتبط هستند. به این ترتیب این گروه از مهارت‌ها به مقبولیت اجتماعی کمک کرده و پایه‌های رفتار و روابط اجتماعی سالم را بنا می‌گذارند (فتی، موتابی، محمدخانی و کاظم‌زاده عطوفی، ۱۳۹۱). اغلب انسان‌ها در برقراری ارتباط رودررو دچار مشکل می‌شوند (بولتن<sup>۹</sup>، بی‌تا، ترجمه سهرابی، ۱۳۹۱)، اما این مشکل در بین افراد کم‌توان ذهنی<sup>۱۰</sup> که در مقایسه با همسالان عادی خود، در تعاملات اجتماعی ناپخته‌تر به نظر می‌رسند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۳، ترجمه رضاعی و همکاران، ۱۳۹۳)، بسیار بیشتر است.

نوجوانی دوره استقلال، بیان عقاید مخالف و کشمکش با والدین است. دوره‌ای که تعارض والد- فرزند<sup>۱</sup> افزایش یافته و گاهی در دسرساز می‌شود. گاهی به دلیل مشاهده برخوردهای منفی، فوری و حتی شدید در هنگام تعارض، مطالعه این فرایند توسط پژوهش‌گران در اولویت قرار داده می‌شود. در واقع تعارض، ارتباطی است که نشان‌دهنده منازعه و کشمکش بر سر اهداف ناسازگار بین افراد وابسته به هم می‌باشد (هاکر و ویلموت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵، به نقل از جلالی و رافعی، ۱۳۹۰). روابط گرم و صمیمانه بین والدین و فرزندان باعث رشد و خودشکوفایی و افزایش عزت نفس نوجوانان می‌گردد و در مقابل روابط نادرست، خطر بروز مشکلات روانی و اجتماعی در خانواده و جامعه را افزایش می‌دهد (زاده‌هفت‌تنان، ۱۳۸۶). اهمیت پیوندهای عاطفی، سالم و نیرومند میان والد و فرزند را نمی‌توان از نظر دور داشت، چرا که این پیوندها سنگ بنای همه پیوندهای دیگر زندگی را تشکیل می‌دهند. اگر فرزندی نداند چگونه با والدینش رابطه عاطفی برقرار سازد، به احتمال زیاد در برقراری رابطه با دیگران نیز در همه اشکالش، در سراسر زندگی با مشکل روبرو خواهد شد. زمانی که کودکان به سن نوجوانی می‌رسند، از حل رمزهای نانوشته روابط متقابل اجتماعی خاص این دوره و می‌مانند و در برقراری ارتباط با والدین خود دچار تعارض می‌شوند که می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد. پسران اغلب از خانه بیرون می‌روند، ناسازگار، ستیزه‌جو، خشن و زورگو از آب در می‌آیند (گاتمن<sup>۳</sup>، بی‌تا، ترجمه علیزاده، ۱۳۹۶).

7. World Health Organization (WHO)

8. assertiveness skill

9. Bolton

10. intellectual disability

11. American Psychiatric Association (APA)

1. parent-child conflict

2. Hocker & Wilmot

3. Gottman

4. Butler

5. communicational skills

6. Kleinke

به نقل از مشفقی، ۱۳۹۱). بنابراین نوجوانان کم توان ذهنی بیشتر از سایر همسالان خود در این گونه مهارت‌ها ضعف دارند.

کم توانان ذهنی با توجه به نقایص کلی که در توانایی‌های ذهنی خود دارند، قادر نیستند به استانداردهای استقلال فردی و مسئولیت‌های اجتماعی در یک یا چند جنبه زندگی روزمره شامل ارتباط بین فردی، مشارکت‌های اجتماعی، کارکرد تحصیلی یا شغلی و استقلال فردی در خانه و جامعه برآیند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳، ترجمه رضاعی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ لذا تعارض بیشتری را در برقراری ارتباط و سازش با همسالان و حتی والدین خود، نشان می‌دهند.

یکی از رسالت‌های آموزش و پرورش استثنایی، آموزش مهارت‌های خودیاری و زندگی به کودکان و نوجوانان استثنایی، جهت آماده‌سازی آن‌ها برای یک زندگی تقریباً مستقلانه از خانواده و عضوی مفید برای جامعه است. علاوه بر این، طرز برخورد جامعه با این گونه کودکان و نوجوانان به گونه‌ای است که این افراد از معیارهای جمعی تا حدودی گریزانند. این افراد در سازگاری و حل تعارضات با دیگران و خصوصاً افرادی نظیر پدر و مادر که به طور مستمر و مستقیم با آنان در ارتباط هستند، نیز دچار مشکل هستند. تجربیات چندساله محقق در عرصه آموزش و پرورش دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و نظرات سایر آموزگاران و مشاوران تلاش‌گر در این عرصه نیز بر اهمیت پژوهش در این زمینه، تأکید دارند. از دیگر عللی که در ضرورت این پژوهش می‌توان ذکر کرد اهمیت کسب

انجمن امریکایی عقب‌ماندگی ذهنی<sup>۱</sup> (AAMR) در سال ۲۰۰۲، در دهمین ویرایش راهنمای مرجع این انجمن که تعاریف و اصطلاحات را ارائه می‌دهد، کم‌توانی ذهنی (عقب‌ماندگی ذهنی) را به عنوان یک نوع عقب‌ماندگی تعریف می‌کند که با محدودیت‌های عمده در عملکرد ذهنی و رفتار سازشی<sup>۲</sup> همراه می‌باشد به گونه‌ای که در مهارت‌های مفهومی، اجتماعی و عملی آشکار شده و مشخص می‌گردد و معتقد است این ناتوانی بایستی قبل از سن ۱۸ سالگی شروع شده باشد (میرقادری، ۱۳۸۵، به نقل از کاظمی، ۱۳۸۸). رفتار سازشی توانایی فرد برای یادگیری و به‌کارگیری مهارت‌های زندگی است به نحوی که فرد قادر به زندگی مستقل باشد (لوکاسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲، به نقل از عاشوری، جلیل‌آبکنار، غباری بناب، و حبیب‌پور، ۱۳۹۲). همچنین انجمن امریکایی ناتوانی‌های ذهنی و تحولی<sup>۴</sup> (AAIDD) عنوان می‌کند که رفتارهای انطباقی (سازشی) بطور کاملاً مؤثری بر زندگی روزانه و توانایی‌های افراد در پاسخگویی به موقعیت‌های خاص و محیط اطراف تأثیر دارد. بر اساس تعریفی که این انجمن از رفتارهای انطباقی ارائه نموده است، رفتارهای انطباقی مجموعه‌ای است از مهارت‌های ادراکی، اجتماعی و عملی که افراد باید بصورت عملکردی در زندگی‌شان پیاده کنند و همچنین مهارت‌های اجتماعی به عنوان بخشی از رفتارهای انطباقی (سازشی)، مواردی نظیر روابط بین فردی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، احترام به خود و عزت نفس، زودباوری، سادگی، پیروی از قوانین و اجتناب از قربانی شدن را شامل می‌شود (انجمن امریکایی ناتوانی‌های ذهنی و تحولی، ۲۰۱۰،

<sup>3</sup>. Luckasson

<sup>4</sup>. American Association of Intellectual and Developmental Disabilities (AAIDD)

<sup>1</sup>. American Association on Mental Retardation (AAMR)

<sup>2</sup>. adaptive behavior

نوجوانان با والدین می‌شود و روابط با همسالان را نیز افزایش می‌دهد.

در ایران نیز کرمی و زارع (۱۳۹۵)، در پژوهشی بر روی دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه، در اثبات فرضیه سوم از پژوهش خود نشان دادند که آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح به فرزندان، تا حدود بسیار زیادی بر میزان کاهش و رفع تعارض بین آنها مؤثر است. همچنین قنبری هاشم‌آبادی، مداح شورچه، وفایی جهان و بلقان‌آبادی (۱۳۹۱)، آموزش مهارت‌های برقراری ارتباط از جمله مهارت حل تعارض و نظریه تحلیل تبادلی<sup>۱</sup> (که در زمینه‌هایی که نیاز به درک افراد، روابط بین فردی و ارتباطات باشد، به کار می‌رود) را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که تحلیل تبادلی، مهارت حل تعارض را بهبود می‌بخشد. ابویی مهریزی، طهماسبیان، و خوش‌کنش (۱۳۸۹)، نیز در پژوهش خود نشان دادند که اجرای برنامه آموزش مدیریت خشم (به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های مهارت‌های ارتباطی) بر کاهش تعارضات دختران نوجوان با والدینشان اثربخش بوده است. سپهری و پاکدامن (۱۳۸۹)، در پژوهشی دیگر به بررسی نحوه ارتباط الگوهای ارتباطی خانواده با شیوه‌های حل تعارض فرزندان در برابر والدین پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که گفت و شنود بالا (گفت‌وگوی آزاد و حمایتی بین اعضای خانواده) بیشتر اوقات با شیوه‌های کارآمد در حل تعارض با والدین و در نتیجه میزان پایین‌تری از تعارض همراه است. غلام-زاده، عطاری و شفیق‌آبادی (۱۳۸۸)، نیز به بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر کارایی خانواده در زوجین مراجعه‌کننده به مرکز بهزیستی شهر اهواز پرداختند. نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی موجب افزایش

مهارت‌های برقراری ارتباطات مناسب اجتماعی نوجوانان پسر در جهت بهبود روابط خانوادگی با والدین است؛ چرا که کسب این مهارت‌ها به نوجوانان پسر کم‌توان ذهنی کمک خواهد کرد تا تعامل مثبتی با همسالان و والدین خود داشته، دامنه‌ای از رفتارهای اجتماع‌پسندانه را از خود نشان داده و بر مشکلات روزمره زندگی فائق آیند.

تحقیقات نشان داده‌اند که آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی و یا زیرمجموعه‌های آن، می‌توانند میزان تعارض نوجوانان با والدینشان را تحت تأثیر قرار دهند. ژنگ (۲۰۰۷)، در پژوهشی که بر نوجوانان چینی انجام داد، دریافت نوجوانانی از خانواده‌هایی با جهت‌گیری گفت و شنود (گفت‌وگوی آزاد و حمایتی بین اعضای خانواده)، از شیوه‌های کارآمدتری در حل تعارض با والدین استفاده می‌کنند و در نتیجه میزان پایین‌تری از تعارض را نشان می‌دهند. کازیکو (۲۰۰۶)، نیز در پژوهش خود کاربرد آموزش تحلیل رفتار متقابل بین فردی در موقعیت‌های کلینیکی و روانی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافت که می‌توان از طریق تحلیل ارتباط متقابل به مراجعان در یک زمان کوتاه در بهبود ارتباطات و همچنین در کارایی اعضای خانواده در موقعیت‌های زندگی خانوادگی کمک کرد. انجلس، دکوویک، و میوس (۲۰۰۲)، در پژوهشی، شیوه‌های فرزندپروری، مهارت‌های اجتماعی، روابط با همسالان و سازگاری اجتماعی را در نوجوانان بررسی کردند. پژوهش آنان به مهارت‌های اجتماعی به عنوان واسطه میان ویژگی‌های رابطه والد- فرزند و ناسازگاری با همسالان تأکید می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان داد آموزش مهارت‌های اجتماعی، موجب افزایش سازگاری

1. Transactional Analysis Group Therapy

اجتماعی (جلیل‌آبکنار، عاشوری، و افروز، ۱۳۹۲) مورد بررسی قرار داده‌اند.

بررسی پیشینه پژوهشی ذکر شده در بالا، نشان می‌دهد که اگرچه در زمینه بررسی رابطه و اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر کاهش تعارض و افزایش روابط والد-فرزندی در افراد عادی (بدون کم‌توانی ذهنی) و یا بر سایر متغیرهای مرتبط با کم‌توانان ذهنی پژوهش‌هایی صورت گرفته است اما در زمینه بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر کاهش تعارض والد-فرزندی، با وجود ضرورت فراوان آن، پژوهشی در جامعه کم‌توانان ذهنی انجام نشده است. لذا با در نظر گرفتن خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین و ضرورت بهبود روابط نوجوانان کم‌توان ذهنی با والدینشان و کاهش تعارض موجود بین آنان در جهت کاهش تبعات ناشی از آن، هدف از پژوهش حاضر تعیین تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر تعارض والد-فرزندی در نوجوانان پسر کم‌توان ذهنی شهر یزد، می‌باشد و فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از:

۱- آموزش مهارت‌های ارتباطی در کاهش تعارض والد-فرزندی (کل) نوجوانان پسر کم‌توان ذهنی شهر یزد مؤثر است.

آموزش مهارت‌های ارتباطی در کاهش ابعاد تعارض والد-فرزندی (تعارضات پدر-فرزندی و مادر-فرزندی) نوجوانان پسر کم‌توان ذهنی شهر یزد مؤثر است.

### روش تحقیق

کارایی خانواده در مقوله‌های حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی خانواده در گروه آزمایش شده است.

همچنین پیشینه پژوهشی در زمینه تعارض با والدین را می‌توان در دو بُعد، شامل تعارض با پدر و تعارض با مادر مورد بررسی قرار داد. چنان‌که سخاوت و عطاری (۱۳۸۹) در پژوهش خود، اثربخشی آموزش مبتنی بر تحلیل ارتباط محاوره‌ای بر بهبود روابط مادر-فرزندی دانش‌آموزان پسر مقطع راهنمایی شهرستان دزفول را مورد مطالعه قرار دادند و نتایج آزمون فرضیه‌ها حاکی از آن بود که آموزش مبتنی بر تحلیل ارتباط محاوره‌ای باعث بهبود روابط مادر-فرزندی می‌شود. در تحقیقی دیگر، لیندا رابینسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۰)، به نقل از زاده‌هفت‌تنان، (۱۳۸۶)، به بررسی کیفیت رابطه میان فردی، روابط والد-فرزندی، انطباق‌پذیری و انسجام خانوادگی پرداخت. این بررسی نشان داد که رابطه مثبت مادر-فرزند و انطباق‌پذیری خانواده، ابزارهایی مفید و حائز اهمیت در جهت توسعه روابط میان فردی موفق در اختیار جوانان قرار می‌دهد. این نتیجه، نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنی‌داری بین موفقیت در برقراری روابط میان فردی و رابطه مادر-فرزندی می‌باشد.

علاوه بر پژوهش‌های ذکر شده بالا، در زمینه آموزش این مهارت‌ها به افراد کم‌توان ذهنی نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است. این پژوهش‌ها اثربخشی این آموزش‌ها را بر افزایش عزت نفس (عاشوری و همکاران، ۱۳۹۲)، افزایش رفتار سازگاران (بیان‌زاده و ارجمندی، ۱۳۸۲)، ابراز وجود و سلامت روان (خلعتبری، قربان‌شیرودی، رهبر طارم‌سری، و کیخای فرزانه، ۱۳۸۹) و افزایش مهارت‌های

1. Linda Robinson

این تحقیق، از لحاظ هدف، یک تحقیق کاربردی است. پژوهش حاضر از نوع آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس-آزمون با گروه کنترل می‌باشد.

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش را دانش‌آموزان پسر کم‌توان ذهنی ۱۱ تا ۲۰ ساله تشکیل می‌دهند که در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ در مدارس خاص کم‌توان ذهنی شهر یزد مشغول به تحصیل بوده‌اند. با توجه به کوچک بودن حجم جامعه مورد مطالعه (۱۲۰ نفر)، از بین افراد این جامعه، ۴۰ نفر از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده و سپس به همین روش در دو گروه ۲۰ نفره (گروه‌های آزمایش و کنترل) جایگزین شدند.

معیارهای ورود به این مطالعه داشتن کم‌توانی ذهنی آموزش‌پذیر بر اساس تشخیص واحد سنجش اداره آموزش و پرورش استثنایی استان، پسران مشغول به تحصیل در مدارس استثنایی گروه کم‌توان ذهنی شهر یزد، محدوده سنی ۱۱ تا ۲۰ سال و معیارهای خروج از مطالعه نیز داشتن بیش از دو جلسه غیبت از مجموع ۱۲ جلسه آموزشی بوده است.

به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، به آزمودنی‌های شرکت‌کننده در پژوهش و والدین آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات به دست آمده از آزمودنی‌ها به صورت محرمانه و بی‌نام مورد استفاده قرار خواهد گرفت. همچنین، در مورد عدم ضرر و زیان ناشی از شرکت در پژوهش، اطلاعات کامل در اختیار شرکت‌کنندگان و والدین آن‌ها قرار گرفت و شرکت‌کنندگان آزاد بودند تا هر زمان که بخواهند از ادامه

همکاری با پژوهش‌گر، اجتناب ورزند. در پایان پژوهش نیز یک کارگاه سه روزه با موضوع آموزش رفتارها و مهارت-های ارتباطی برای گروه کنترل برگزار شد و جزوه آموزشی مهارت‌های ارتباطی در اختیار آن‌ها قرار گرفت.

### ابزار پژوهش

در این پژوهش از پرسشنامه رفتار تعارض<sup>۱</sup> (CBQ) به عنوان ابزار پژوهش استفاده شد. پرسشنامه رفتار تعارض (رابین و فاستر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹، به نقل از اسدی‌یونسی، مظاهری، شهیدی، طهماسیان، و فیاض‌بخش، ۱۳۹۰)، یک مقیاس درجه‌بندی درست/ نادرست با ۲۰ گویه است و برای اندازه‌گیری ارتباط و تعارض در تعاملات والد- نوجوان استفاده می‌شود که کسب نمره بالا بیان‌گر ارتباطات منفی و تعارض بسیار در تعاملات میان والدین و فرزندان است (لانگ، آدامز، و راگیرو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰؛ و رابین و فاستر، ۱۹۸۹؛ به نقل از اسدی‌یونسی و همکاران، ۱۳۹۰). این پرسشنامه دارای دو فرم موازی جداگانه، یکی مخصوص مادر و دیگری مخصوص پدر است که هر دو توسط نوجوان تکمیل می‌شود. در این پرسشنامه، آزمودنی بایستی با انتخاب یکی از پاسخ‌های صحیح یا غلط، موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات را مشخص سازد.

در نمره‌دهی این آزمون، به گزینه صحیح نمره ۱ و غلط نمره صفر تعلق می‌گیرد. سؤالات ۲، ۴، ۷، ۸، ۱۲، ۱۴، ۱۹ و ۲۰، به صورت معکوس (صحیح=۰، غلط=۱) نمره‌گذاری می‌شوند. نمره بالا در این پرسشنامه، نشان‌گر میزان تعارض بیشتر میان نوجوان و والدین است (رابین و فاستر، ۱۹۸۹، به نقل از نبل- شووالم، ۲۰۰۶).

<sup>3</sup>. Long, Adams, & Ruggiero

<sup>1</sup>. Conflict Behavior Questionnaire (CBQ)

<sup>2</sup>. Robin & FASTER

مهارت‌های ارتباطی طی ۱۲ جلسه ۵۰ دقیقه‌ای (هر هفته ۲ جلسه)، به گروه آزمایش آموزش داده شد. مجدداً پرسشنامه رفتار تعارض به عنوان پس‌آزمون بر روی هر دو گروه آزمایش و کنترل اندازه‌گیری شد.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی شامل آزمون  $t$  مستقل و تحلیل کواریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

### یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش توصیفی و استنباطی تنظیم شده است. در بخش آمار توصیفی به منظور توصیف و تلخیص داده‌های جمع‌آوری شده از مهم‌ترین شاخص‌های گرایش به مرکز و پراکندگی از مرکز شامل میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهشی با توجه به طرح تحقیق از آزمون  $t$  مستقل و تحلیل کواریانس استفاده شده است. بر این اساس، یافته‌های پژوهش در دو بخش به شرح زیر ارائه می‌شوند.

### یافته‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

در این بخش، از شاخص‌های میانگین و انحراف معیار استفاده شده است که در جدول ۱ ارائه می‌شود.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی پیش‌آزمون و پس‌آزمون تعارضات والد- فرزندی و ابعاد آن در گروه‌های آزمایش و گواه

گروه	مرحله	میانگین	انحراف استاندارد	گروه	مرحله	میانگین	انحراف استاندارد

پایایی حاصل از روش بازآزمایی در پژوهش رابین و فاستر (۱۹۸۹)، برابر ۰/۳۷ تا ۰/۸۴ بوده است. همچنین نتیجه پژوهش آنان نشان داد که پرسشنامه رفتار تعارض می‌تواند خانواده‌های دارای مشکل بالینی را از خانواده‌های سالم جدا سازد و این حاکی از اعتبار افتراقی این ابزار می‌باشد (به نقل از نبل- شووالم، ۲۰۰۶).

میزان دقت و همسانی درونی پرسش‌های این پرسشنامه، در مطالعه اسدی‌یونسی (۱۳۸۹) با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده و میزان تعارض‌ها با مادر برابر با ۰/۸۸ و در ارتباط با پدر برابر با ۰/۹۱ بوده که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد و همسانی درونی بالای پرسشنامه است (به نقل از اسدی‌یونسی و همکاران، ۱۳۹۰).

همچنین در پژوهشی اسدی‌یونسی و همکاران (۱۳۹۰)، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، همسانی درونی پرسشنامه رفتار تعارض را معادل ۰/۸۲ به دست آوردند.

در پژوهش حاضر نیز پایایی مقیاس از طریق آلفای کرونباخ محاسبه گردید که برای تعارض با پدر برابر با ۰/۹۰، تعارض با مادر ۰/۸۳ و برای کل این مقیاس معادل ۰/۹۰ به دست آمد.

### روش اجرا

پس از جایگزینی تصادفی آزمودنی‌ها در گروه‌های آزمایش و کنترل، پرسشنامه رفتار تعارض به عنوان پیش-آزمون بر روی هر دو گروه اجرا شد. سپس برنامه آموزش

تعارضات والد- فرزندی	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۳/۹۰	۸/۳۶۰	گواه	پیش‌آزمون	۱۰/۶۵	۸/۲۴۲
		پس‌آزمون	۶/۴۰	۴/۹۹۹		پس‌آزمون	۹/۶۰	۷/۲۸۷
تعارضات پدر-فرزندی	آزمایش	پیش‌آزمون	۸/۳۰	۵/۰۷۹	گواه	پیش‌آزمون	۶/۴۵	۴/۹۸۹
		پس‌آزمون	۴/۲۰	۴/۰۶۰		پس‌آزمون	۵/۸۵	۴/۸۱۵
تعارضات مادر- فرزندی	آزمایش	پیش‌آزمون	۵/۶۰	۴/۱۹۸	گواه	پیش‌آزمون	۴/۲۰	۴/۰۲۱
		پس‌آزمون	۲/۲۰	۱/۸۸۱		پس‌آزمون	۳/۷۵	۳/۲۹۱

**فرضیه اول:** آموزش مهارت‌های ارتباطی در کاهش تعارضات والد- فرزندی نوجوانان پسر کم‌توان ذهنی شهر یزد مؤثر است.

برای بررسی این فرضیه از آزمون t مستقل به منظور مقایسه میانگین اختلاف نمرات پیش و پس آزمون دو گروه استفاده شده است که نتایج این تحلیل در جدول ۲ ارائه گردیده است.

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین نمرات پس‌آزمون تعارضات والد- فرزندی و ابعاد آن در گروه آزمایش کمتر از گروه گواه می‌باشد. این در حالی است که در پیش‌آزمون، میانگین نمرات گروه آزمایش بالاتر از گروه گواه می‌باشد.

#### یافته‌های استنباطی

فرضیه‌های پژوهش نیز با استفاده از روش آزمون t مستقل و تحلیل کوواریانس مورد بررسی قرار گرفتند که نتایج آن بدین شرح می‌باشند:

جدول ۲. نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه اختلاف نمرات پیش و پس آزمون تعارضات والد-فرزندی دو گروه (N=20 هر گروه)

گروه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون لوین		t	درجات آزادی	سطح معنی‌داری	تفاوت بین میانگین‌ها
			P	F				
آزمایش	۷/۵۰	۵/۱۱	۰/۰۲۲	۵/۷۳۵	۵/۲۱۲	۳۸	۰/۰۰۰۱	۶/۴۵۰
گواه	۱/۰۵	۲/۱۱			۵/۲۱۲	۲۵/۳۱۱	۰/۰۰۰۱	۶/۴۵۰

توجه به میانگین گروه‌ها این یافته نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های ارتباطی توانسته است تعارض والد- فرزندی گروه آزمایش را کاهش دهد.

مقدار مجذور اتا از طریق فرمول زیر محاسبه شد:

$$t^2 \div t^2 + (n_2 + n_1 - 2) = \text{مجذور اتا}$$

در جدول بالا نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین اختلاف نمرات پیش و پس‌آزمون تعارضات والد- فرزندی در گروه آزمایش و گواه آمده است. همان‌گونه که این جدول نشان می‌دهد تفاوت بین میانگین گروه‌ها از لحاظ آماری معنی‌دار است [P<۰/۰۱] و [t=۵/۲۱]. لذا فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. با



فرضیه دوم: آموزش مهارت‌های ارتباطی در کاهش ابعاد تعارضات والد-فرزندی نوجوانان پسر کم‌توان ذهنی شهر یزد مؤثر است.

نتایج حاصل از تحلیل مانکوا پس‌آزمون ابعاد تعارضات والد-فرزندی در دو گروه آزمایش و گواه، در جدول ۳ ارائه شده است.

این مقدار برابر ۰/۴۱۷ بدست آمد. طبق ملاک کوهن، این مقدار نشان‌دهنده اندازه اثر بزرگ می‌باشد. این بدین معناست که ۴۱/۷۰ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات تعارض والد-فرزندی گروه آزمایش مربوط به تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی می‌باشد.

جدول ۳. نتایج تحلیل مانکوا بر روی میانگین نمرات ابعاد تعارضات والد-فرزندی

نام آزمون	مقدار	f	درجات آزادی فرضیه	درجات آزادی خطا	سطح معنی‌داری	مجذور اتا	توان آزمون
اثر پیلایی	۰/۴۸۶	۱۶/۹۹۴	۲/۰۰۰	۳۶/۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۴۸۶	۰/۹۹۹
لامبدای ویلکز	۰/۵۱۴	۱۶/۹۹۴	۲/۰۰۰	۳۶/۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۴۸۶	۰/۹۹۹
اثر هتلینگ	۰/۹۴۴	۱۶/۹۹۴	۲/۰۰۰	۳۶/۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۴۸۶	۰/۹۹۹
بزرگترین ریشه روی	۰/۹۴۴	۱۶/۹۹۴	۲/۰۰۰	۳۶/۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۴۸۶	۰/۹۹۹

فردی در نمرات ابعاد تعارضات والد-فرزندی گروه آزمایش مربوط به تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی می‌باشد.

برای پی بردن به این نکته که از لحاظ کدام ابعاد (تعارض پدر-فرزندی و مادر-فرزندی) بین دو گروه تفاوت وجود دارد، تحلیل کواریانس یک‌راهه در متن آنکوا انجام گرفت که نتایج حاصل در جدول ۴ آمده است.

همان‌طوری که در جدول بالا ملاحظه می‌شود سطوح معنی‌داری تمامی آزمون‌ها بیان‌گر آن هستند که بین دو گروه آزمایش و گواه حداقل از لحاظ یکی از ابعاد تعارضات والد-فرزندی تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود ( $F=16/994$  و  $P<0/001$ ). بنابراین فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر، آموزش مهارت‌های ارتباطی موجب کاهش ابعاد تعارضات والد-فرزندی در گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با ۴۱/۷۰ می‌باشد، به عبارت دیگر، ۴۱/۷۰ درصد تفاوت‌های

جدول ۴. نتایج تحلیل کواریانس یک‌راهه در متن آنکوا بر روی میانگین نمرات ابعاد تعارضات والد-فرزندی دانش‌آموزان گروه‌های آزمایش و گواه با کنترل پس‌آزمون

متغیر	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	f	سطح معنی‌داری	مجذور اتا	توان آماری
تعارض پدر-فرزندی	پیش‌آزمون گروه	۵۲۱/۳۳۷	۱	۵۲۱/۳۳۷	۸۲/۹۹۶	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹۲	۱/۰۰۰
	خطا	۲۳۲/۴۱۳	۳۷	۶۲/۳۸۶	۱۴/۷۰۸	۰/۰۰۰۱	۰/۲۸۴	۰/۹۶۲
تعارض مادر-فرزندی	پیش‌آزمون گروه	۱۳۳/۶۹۱	۱	۱۳۳/۶۹۱	۳۵/۵۲۱	۰/۰۰۰۱	۰/۴۹۰	۱/۰۰۰
	خطا	۱۳۹/۲۵۹	۳۷	۵۰/۱۶۰	۱۳/۳۲۷	۰/۰۰۱	۰/۲۶۵	۰/۹۴۵

که آموزش مهارت‌های ارتباطی به نوجوانان، توانایی ایجاد تغییرات رفتاری را در تعاملاتشان به وجود می‌آورد و در نتیجه مهارت‌های حل تعارض را در آنان بهبود می‌بخشد (زاده‌هفت‌تانیان، ۱۳۸۶).

در این راستا پژوهش حاضر از طریق آموزش مهارت‌های ارتباطی، به بررسی تأثیر این آموزش بر میزان تعارض والد- فرزند و مؤلفه‌های آن (تعارضات پدر-فرزند و مادر-فرزند) در بین نوجوانان پسر کم‌توان ذهنی پرداخته است که نتایج آن در دو فرضیه بیان شد.

در تأیید فرضیه اول، نتایج آزمون t مستقل، برای مقایسه میانگین اختلاف نمرات پیش و پس‌آزمون تعارض والد- فرزند در گروه آزمایش و گواه و همچنین محاسبه مجذور اتا، نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی توانسته است تعارضات والد- فرزند نوجوانان گروه آزمایش را کاهش دهد. اندازه اثر این آموزش ۰/۴۱۷۰ درصد بوده است. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش وود و دیویدسون (۱۹۹۳)، به نقل از زاده‌هفت‌تانیان، (۱۳۸۶)، انجلس و همکاران (۲۰۰۲)، کازیکو (۲۰۰۶)، ژنگ (۲۰۰۷)، غلام‌زاده و همکاران (۱۳۸۸)، سپهری و پاکدامن (۱۳۸۹)، قنبری هاشم‌آبادی و همکاران (۱۳۹۱)، کرمی و زارع (۱۳۹۵) و ابویی مهریزی و همکاران (۱۳۸۹)، همسو می‌باشد. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از بهبود شیوه‌های حل تعارض و سازگاری با والدین و در نتیجه کاهش تعارض با آنان، هستند.

در تأیید فرضیه دوم این پژوهش نیز نتایج تحلیل کواریانس یک‌راهه در متن آنکوا، با کنترل تأثیر متغیر کمکی

همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، با کنترل تأثیر متغیر کمکی (پیش‌آزمون) بر روی متغیر وابسته، بین دو گروه از لحاظ تعارض پدر- فرزند ( $P < 0/01$ ) و تعارض مادر- فرزند ( $F=14/708$  و  $P < 0/015$ ) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. این بیان‌گر آن است که آموزش مهارت‌های ارتباطی توانسته است تعارضات پدر- فرزند و مادر- فرزند را در گروه آزمایش کاهش دهد. میزان تأثیر یا تفاوت برای تعارض پدر- فرزند برابر با ۰/۲۸۴ است، به عبارت دیگر، ۲۸/۴۰ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات تعارضات پدر- فرزند گروه آزمایش مربوط به تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی است. همچنین، میزان تأثیر یا تفاوت برای تعارض مادر- فرزند برابر با ۰/۲۶۵ می‌باشد، به عبارت دیگر، ۲۶/۵۰ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات تعارض مادر- فرزند گروه آزمایش مربوط به تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی می‌باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

روابط عاطفی، سالم و نیرومند میان والد و فرزند را که سنگ بنای سایر روابط زندگی را تشکیل می‌دهند، نباید از نظر دور داشت. نوجوان بایستی نحوه برقراری ارتباط سالم را بداند تا بتواند سازش بیشتری با دیگران و همچنین والدین خود داشته و از تعارض با آنان بکاهد. این در حالی است که نوجوانان کم‌توان ذهنی، در برقراری مهارت‌های ارتباطی و بین فردی ضعف چشمگیری دارند. در پژوهش‌های مختلفی از جمله پژوهشی که توسط وود و دیویدسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) در استرالیا انجام شد، مشخص گردید

<sup>۱</sup>. Wood & Davidson

آموزش مهارت‌های ارتباطی به عنوان شیوه‌ای در جهت حل تعارض، می‌تواند کارساز باشد.

آموزش مهارت‌های ارتباطی به نوجوانان کم‌توان ذهنی، باعث خواهد شد که این نوجوانان در برقراری ارتباط مؤثر و مناسب با پدر و مادر و حل تعارض با آنان توانا تر شوند. این نوجوانان مهارت‌های برقراری ارتباط کلامی و غیرکلامی مناسب، ابراز وجود، بیان نظرات، احساسات و نگرش‌های خود با رعایت احترام والدین و نیز مهارت حل تعارض را در فرایند آموزش مهارت‌های ارتباطی کسب می‌کنند و در نتیجه، قادر خواهند بود با برقراری روابط مؤثر بین فردی با پدر و مادر، تعارض با آنان را کاهش دهند.

پژوهش حاضر نیز همانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی است از جمله این‌که:

- پژوهش فقط بر روی دانش‌آموزان پسر کم‌توان ذهنی انجام شده است و برای تعمیم نتایج به دختران و همچنین سایر گروه‌ها باید احتیاط کرد.
- نظر به این‌که در این پژوهش به جای مطالعه رفتار واقعی، از ابزارهای مداد- کاغذی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است، بنابراین ممکن است عوامل دیگری مانند محیط و نحوه برخورد عناصر محیطی (والدین، کادر مدرسه، سایر دانش‌آموزان و پژوهش‌گر) در ساعات منتهی به زمان اجرای پیش و پس آزمون و همچنین احتمال عدم تمایل آزمودنی‌ها به ابراز واقعیت، بر نتایج آزمون تأثیر بگذارند.
- شرایط خاص دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و پایین بودن درک شناختی آن‌ها از برخی سؤالات انتزاعی در پرسشنامه، ممکن است نتایج پژوهش را تحت تأثیر

(پیش‌آزمون) بر روی متغیر وابسته، نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی توانسته است تعارضات پدر- فرزند و مادر- فرزند را در گروه آزمایش کاهش دهد.

نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش سخاوت و عطاری (۱۳۸۹) و رابینسون (۲۰۰۰)، به نقل از زاده‌هفت- تنانیا، (۱۳۸۶)، همسو می‌باشد. نتایج پژوهش سخاوت و عطاری (۱۳۸۹)، حاکی از آن است که آموزش مبتنی بر تحلیل ارتباط محاوره‌ای باعث بهبود روابط مادر- فرزند می‌شود. نتایج پژوهش توسط رابینسون (۲۰۰۰)، به نقل از زاده‌هفت-تنانیا، (۱۳۸۶)، نیز نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنی‌داری بین موفقیت در برقراری روابط میان‌فردی و رابطه مادر- فرزند می‌باشد. ضمناً در زمینه تأثیر مهارت‌های ارتباطی بر کاهش تعارضات پدر- فرزند پژوهشی یافت نشد. بنابراین نتایج، حاکی از آن است که آموزش مهارت‌های ارتباطی و افزایش توانایی برقراری روابط بین فردی، جهت کاهش تعارضات نوجوانان کم‌توان ذهنی با هر یک از والدین (پدر و مادر) به‌طور جداگانه نیز حائز اهمیت است.

در تبیین یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان گفت که بیشتر تعارض‌هایی که در خانواده بین والدین و نوجوان به وجود می‌آید ناشی از مهارت‌های ناکافی در امر مذاکره و گفتگو بین اعضای خانواده، عدم توافق به قواعد و مسئولیت‌ها، مهارت‌های ارتباطی ضعیف، ضعف در توانایی درک دیدگاه دیگران و عدم مهارت کافی در ابراز وجود و حل تعارض به شیوه مناسب است؛ لذا برای حل تعارض والدین و نوجوانان و خصوصاً نوجوانان کم‌توان ذهنی که هم در تعاملات اجتماعی مناسب با بزرگسالان و همسالان دارای مشکلاتی هستند و هم این‌که مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی را به راحتی و به خودی خود یاد نمی‌گیرند؛

- قرار دهند که به ناچار آزمون به صورت انفرادی و با بسط معنی سؤالات برای دانش‌آموزان انجام شد.
- در کاهش تعارض والد- فرزند، فقط آموزش فرزندان و تغییر رفتارهای آنان تعیین‌کننده نیست، بلکه در نحوه رفتار والدین با فرزندان نیز باید مداخله کرد.
- با توجه به نتایج پژوهش حاضر و تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی در کاهش تعارض والد- فرزند و ابعاد آن در نوجوانان کم‌توان ذهنی، پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی مهارت‌های زندگی به‌ویژه مهارت‌های ارتباطی در مدارس خاص دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی در کنار برنامه‌های تحصیلی، برگزار شود و یا واحد درسی مهارت‌های زندگی با تأکید بر آموزش مهارت‌های ارتباطی به این دانش‌آموزان ارائه شود. به پژوهش‌گران نیز پژوهش‌های مشابهی در سایر گروه‌های استثنایی، سایر نقاط کشور جهت تأیید نتایج پژوهش حاضر و در بین دختران، پیشنهاد می‌شود. همچنین پیشنهاد می‌شود اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض به والدین و نوجوانان کم‌توان ذهنی به‌طور هم‌زمان، مورد بررسی قرار گیرد.

## منابع

- ابویی مهریزی، محبوبه. طهماسبیان، کارینه. خوش‌کنش، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). *تأثیر آموزش مدیریت خشم بر مهارت‌های خودنظم‌دهی خشم و تعارضات والد- نوجوان در دختران دوره راهنمایی شهر تهران*. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۶(۲۳)، ۴۰۴-۳۹۳.
- احدی، حسن. جمهوری، فرهاد. (۱۳۹۴). *روان‌شناسی رشد ۲: نوجوانی، بزرگسالی (جوانی، میانسالی، پیری)*. تهران: آینده درخشان.
- اسدی‌یونسی، محمدرضا. مظاهری، محمدعلی. شهیدی، شهریار. طهماسبیان، کارینه. فیاض‌بخش، محمدعلی. (۱۳۹۰). *تدوین و اعتباریابی پرسشنامه سنجش تعارض والد- نوجوان: فرم نوجوان*. فصلنامه خانواده، شماره ۱ و ۲، ۴۳-۷۰.
- انجمن روان‌پزشکی آمریکا. (۲۰۱۳). *راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی DSM-5*. ترجمه دکتر فرزین رضاعی؛ دکتر علی فخرایی؛ دکتر آتوسا فرمند؛ علی نیلوفری؛ دکتر ژانت هاشمی‌آذر؛ دکتر فرهاد شاملو (۱۳۹۳)، تهران: کتاب ارجمند.
- باتلر، گیلین. (۲۰۰۸). *غلبه بر اضطراب اجتماعی و خجالت‌زدگی*. ترجمه آریتا زمانی (۱۳۹۱)، تهران: کتاب ارجمند.
- بولتن، رابرت. (۱۳۹۱). *روان‌شناسی روابط انسانی (مهارت‌های مردمی)*. ترجمه حمیدرضا سهرابی، تهران: رشد.
- بیان‌زاده، سیداکبر. و ارجمندی، زهرا. (۱۳۸۲). *تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رفتار سازگارانه کودکان عقب‌مانده ذهنی خفیف*. اندیشه و رفتار، ۹(۱)، ۲۷-۳۴.
- جلالی، ایران. و رافعی، هما. (۱۳۹۰). *بررسی رابطه تنظیم شناختی هیجان با فرایند و محتوای خانواده و شیوه‌های مقابله با تعارض دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز*. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ۷(۲۵)، ۶۶-۴۸.
- جلیل‌آبکنار، سیده سمیه. عاشوری، محمد. و افروز، غلامعلی. (۱۳۹۲). *اثربخشی آموزش رفتارهای اجتماعی بر بهبود مهارت‌های اجتماعی نوجوانان کم‌توان ذهنی*. توان‌بخشی، دوره ۴(۳)، ۴۰-۳۱.
- خلعتبری، جواد. قربان‌شیرودی، شهره. رهبر طارمسری، خدیجه. و کیخای فرزانه، محمدمجتبی. (۱۳۸۹). *مقایسه اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر ابراز وجود و*

- سلامت روان دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی. فصلنامه روان-شناسی تربیتی، ۱(۴)، ۸۶-۷۱.
- زاده‌هفت‌تانیان، عصمت. (۱۳۸۶). *مقایسه اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی (به شیوه مشاوره گروهی با الگوی گوردون) در دو گروه مادران و فرزندان بر روابط والد-فرزندی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سپهری، صفورا. و پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۹). *الگوهای ارتباطی خانواده و تعارضات فرزندان و والدین*. مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۱(۲)، ۹۱-۷۵.
- سخت‌سخت، سعیده. و عطاری، یوسفعلی. (۱۳۸۹). *بررسی اثربخشی آموزش رویکرد تحلیل ارتباط محاوره‌ای بر بهبود روابط مادر-فرزندی در پسران مقطع راهنمایی شهرستان دزفول*. روان‌شناسی اجتماعی (یافته‌های نو در روان‌شناسی)، دوره ۱۵(۵)، ۵۶-۳۹.
- عاشوری، محمد. جلیل‌آبکنار، سیده سمیه. غباری بناب، باقر. و حبیب‌پور، سمیه. (۱۳۹۲). *تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهبود عزت نفس نوجوانان با کم‌توانی ذهنی*. پژوهش در علوم توان‌بخشی، ۹(۶)، ۹۶۸-۹۵۶.
- غلام‌زاده، مریم. عطاری، یوسفعلی. و شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۸۸). *اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر کارایی خانواده در زوج‌های مراجعه‌کننده به مرکز بهزیستی شهر اهواز*. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۱(۴۱)، ۱۱۰-۸۷.
- فتی، لادن. موتابی، فرشته. محمدخانی، شهرام. و کاظم‌زاده عطوفی، مهرداد. (۱۳۹۱). *راهنمای عملی برگزاری کارگاه‌های آموزش مهارت‌های زندگی: کتاب راهنمای مدرس*. تهران: میانکوشک.
- قنبری هاشم‌آبادی، بهرام‌علی. مداح شورچه، راحله. وفایی-جهان، زهرا. و بلقان‌آبادی، مصطفی. (۱۳۹۱). *اثربخشی گروه‌درمانی شناختی و تحلیل تبادلی بر بهبود مهارت حل تعارض. مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان، دوره ۱۴(۱)، ۴۸-۴۳.*
- کاظمی، محمودرضا. (۱۳۸۸). *تحلیل محتوای کتاب مهارت‌های اجتماعی-اقتدای سال اول پیش‌حرفه‌ای دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی از منظر خوانایی با استفاده از تکنیک‌های رایج تحلیل محتوا (روش کلوز، روش بررسی تصاویر، و روش بررسی پرسش‌ها) و نظرات دبیران این درس*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- کرمی، میرحمزه. و زارع، حسین. (۱۳۹۵). *تأثیر آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح با والدین و فرزندان بر میزان تعارض بین آن‌ها در دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه شهر ایلام*. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۷(۱)، ۳۴-۲۵.
- کلینکه، کریس. ال. بیتا. *مجموعه کامل مهارت‌های زندگی: تکنیک‌های مقابله با اضطراب افسردگی، تنهایی و ...*. ترجمه شهرام محمدخانی (۱۳۹۱)، تهران: رسانه تخصصی.
- گاتمن، جان مردخای. (بی‌تا). *درمان و بهسازی رابطه‌ها*. ترجمه مصطفی علیزاده (۱۳۹۶)، تهران: قطره.
- مشفق، سمانه. (۱۳۹۱). *رفتارهای انطباقی در افراد با ناتوانی ذهنی*. تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۱(۱۰۹)، ۲۹-۳۵.
- Engels, R., Dekovic, M., & Meeus, W. (2002). *Parenting practices, social skills and peer relationships in adolescence*. Social Behavior and Personality: An International Journal, 30(1), 3-17.
- Kazeko, F. (2006). *Effects of transactional analysis training on seventh grade students*. Transaction Analysis Journal, 22-29.
- McKinney, C., & Renk, K. (2011). *A multivariate model of parent-adolescent relationship variables in early*

*adolescence*. Child Psychiatry & Human Development, 42(4), 442-462.

- Nebel-Schwalm, Marie. S. (2006). *The relationship between parent-adolescent conflict and academic achievement*. A Thesis Submitted to the Graduate Faculty of the Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College.
- Zhang, Q. (2007). *Family communication patterns and conflict styles in Chinese parent child relationship*. Communication Quarterly, 55(1), 113-128.

---

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 8, No. 4, winter 2017, No 32



Journal of Educational  
Psychology

---

## The effect of communicational skills training on parent-child conflict in boys adolescents with intellectual disability in Yazd

Mehdi Zarei Hosseinabadi<sup>1\*</sup>, Kazem Barzegar Bafruee<sup>2</sup>, Morteza Omidian<sup>3</sup>

- 1) Educational Psychology. M.A, Yazd University, Yazd, Iran
- 2) Assistant Professor, Academic member, Yazd University, Yazd, Iran
- 3) Associate Professor, Academic member, Chamran University, Ahvaz, Iran

\*Corresponding author: m.zarei224@chmail.ir

---

### Abstract

This study examined the effect of communicational skills training on parent-child conflict in boys adolescents with intellectual disability in Yazd. The design of this study was pretest-posttest with control group type and the population included boys with intellectual disability 11-20 years intellectual disability special schools in Yazd in the academic year 2014-2015. The sample included 40 students that randomly selected and divided into experiment and control groups (20 persons in each group). The instruments used in this study was Robin & Faster Conflict Behavior Questionnaire (CBQ) that all participants completed it in pretest and Post test. The communicational skills training program, including 12 sessions of 50 minutes, was carried to the experimental group. Descriptive statistics and inferential statistics such as independent t-test and covariance analysis was used for data analysis. The Results of this study showed that there is a significant difference between experiment and control groups among parent-child conflict and its Dimensions ( $p < 0/01$ ). The obtained results of data analysis demonstrated that communicational skills training decreased parent-child conflict (41/70%) and its components in adolescents of experimental group in compare with control group. Therefore, it is suggest that emphasis on communicational skills training in intellectual disability special schools.

**Key words:** Communicational skills, parent-child conflict, intellectual disability.

---